

## ایرانیان و هوش مصنوعی

سه گانه تردید، شگفتی و گریز



قادر باستانی‌تبریزی

پژوهشگر علوم ارتباطات و رسانه

نگاه ایرانی به هوش مصنوعی نه به کنترل می‌انجامد، نه به اتصال؛ بلکه در میانه‌ای از احتیاط، شگفتی و گریز است. در حالی که آمریکایی‌ها با ذهنیت اقتدارگرا و فردمحور خود، خواهان تسلط بر هوش مصنوعی هستند و چینی‌ها در چارچوب فرهنگی جمع‌گرایانه‌شان آن را شریکی برای سازگاری با محیط می‌دانند، ایرانیان هنوز در جست‌وجوی معنای حضور این فناوری در زیست‌جهان خودند؛ با تردید، با هیجان، با پرسش و با فاصله‌ای که هم از امید می‌گوید و هم از ترس.

در تازه‌ترین پژوهش دانشگاه استنفورد درباره تأثیر فرهنگ بر نحوه مواجهه با هوش مصنوعی، نتایج جالبی به دست آمده است؛ مردم جوامع غربی به‌ویژه آمریکا، هوش مصنوعی را ابزاری برای کنترل و تحقق اهداف خود می‌دانند در حالی که در فرهنگ چینی بیشتر بر پیوند، هماهنگی و اثرپذیری متقابل میان انسان و فناوری تأکید می‌شود. این تفاوت‌ناشی از الگوهای فرهنگی عمیق‌تری درباره انسان، قدرت و رابطه او با جهان اطراف است.

اما فرهنگ ایرانی کجا ایستاده است؟ پاسخ ساده نیست. فرهنگ ایرانی بر خلاف غرب که بر استقلال فردی تأکید دارد و شرق دور که بر پیوند و هارمونی تمرکز می‌کند، سنتی دیرینه در احتیاط و تأمل دارد. در نگاه ایرانی، فناوری هم فرصت است، هم تهدید، هم نشانه‌ای از پیشرفت و هم حامل اضطراب پنهان از دست‌رفتن اصالت‌ها. این ذهنیت خود را در رفتار ایرانیان با هوش مصنوعی نیز نشان می‌دهد. مردم کوچه و بازار هنوز هوش مصنوعی را یا نمی‌شناسند یا آن را چیزی مرموز، خطرناک یا جادویی می‌پندارند. در فضای رسمی نیز گاه باخوش‌بینی اغراق‌آمیز از توانمندی‌های هوش مصنوعی گفته می‌شود و گاه از آن همچون تهدیدی امنیتی و فرهنگی یاد می‌شود. در میان نخبگان و دانشگاهیان نیز هنوز نگاه نظری جامع و بومی درباره این پدیده شکل نگرفته است. فرهنگ گفت‌وگویی ایرانی نیز در مواجهه با فناوری‌های زبان‌محور همچون چت‌بات‌ها تأثیرگذار است. در جامعه‌ای که گفت‌وگو بیش از آن که برای تبادل اطلاعات باشد، برای برقراری ارتباط و حفظ شأن متقابل است، ابزارهای هوش مصنوعی باید چیزی بیش از منطق و دقت داشته باشند؛ باید زمینه‌ار بفهمند، لحن را رعایت کنند و ناز و نیاز زبان را درک کنند. این‌ها توقعاتی است که هنوز در هیچ سیستم هوش مصنوعی بین‌المللی‌ای پیش‌بینی نشده است. در سطح کلان‌تر، نگاه حاکمیت در ایران به هوش مصنوعی بیشتر ناظر بر ابعاد کنترلی، انضباطی و حکمرانی است تا نوآوری، آزادی یا عدالت فناورانه. پروژه‌هایی که تاکنون در کشور پیگیری شده‌اند، بیش از آنکه به خلق نرم‌افزارهای همدلانه یا الگوریتم‌های اخلاقی بینجامند، به تولید سامانه‌های پایش، نظارت یا بهینه‌سازی اداری محدود شده‌اند. این شکاف میان مردم و قدرت، میان میل به نوشدن و ترس از بی‌ثباتی، میان شور آینده و سایه گذشته، همان «سه‌گانه احتیاط، شگفتی و گریز» را می‌سازد که در نگاه ایرانی به فناوری به‌ویژه هوش مصنوعی حضور دارد.

از سوی دیگر، ریشه‌های عرفانی و دینی فرهنگ ایرانی نیز بر نگاه ما به هوش مصنوعی اثر گذاشته. ایرانیان به‌راحتی ماشین‌ها را جایگزین انسان نمی‌دانند؛ برای آگاهی، نیت و معنا شأنی قائل‌اند که در ذهن ابزارمحور غربی کمتر دیده می‌شود. این نگاه، هم تردیدی محتاطانه در برابر سپردن تصمیم‌گیری به الگوریتم‌ها ایجاد می‌کند، هم ظرفیتی برای الگوریتم‌هایی مبتنی بر کرامت انسانی، عقلانیت و عدالت فراهم می‌سازد. اما آنچه کمتر به آن اندیشیده‌ایم، شکل دادن به «روایت ایرانی از هوش مصنوعی» است؛ این که ما از این فناوری چه می‌خواهیم و بر چه بنیانی با آن مواجه می‌شویم؟

ایران برخلاف بسیاری از کشورهای در حال توسعه، صرفاً مصرف‌کننده فناوری‌های نوین نیست؛ بلکه برخوردار از تمدنی کهن، نظام‌های دانا‌یی چندلایه و پشتوانه‌ای فلسفی برای تولید معنا و جهت‌بخشی به فناوری است. اگر هوش مصنوعی نه فقط به‌عنوان ابزار بلکه به‌مثابه «موضوعی فرهنگی» تلقی شود، می‌تواند بستری کم‌نظیر برای بازخوانی ارزش‌های بومی، بازآفرینی روایت‌های معنابخش و طراحی الگوهای تازه‌ای از نسبت میان انسان و ماشین فراهم آورد.

فرهنگ ایرانی، شاید نه با سرعت چین حرکت کند، نه با اقتدار آمریکا اما می‌تواند با ترکیبی از تأمل، تخیل و تردید، الگویی منحصر‌به‌فرد برای مواجهه با هوش مصنوعی بسازد. این فناوری آینده‌ساز تنها زمانی با جامعه ما سازگار خواهد شد که آن را نه صرفاً ابزار، بلکه موضوعی برای فهم خویش‌نماندنی‌ها، نگاه ایرانی به هوش مصنوعی اگر درست شنیده و تفسیر شود، شاید خود پاسخی باشد به این پرسش که «چگونه انسان می‌تواند در عصر ماشین، همچنان انسان بماند؟»

۱۶ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com  
@Hammihanonline

- صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
- مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
- سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیو • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
- دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمن منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
- علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
- مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
- مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
- هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸

• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



آندریخازنلیور در نمایش اکیتیک/عکس: پرتو جغتایی

## ناآمدگان و بازآمدگان

ادامه روند بازگشت هنرمندان به صحنه رسمی تئاتر در کنار حضور پررنگ غایبان این صحنه در عرصه غیررسمی دوگانه‌ای همچنان ادامه دار است



نرگس کیانی

خبرنگار گروه فرهنگ

بازگشت آرام‌آرام هنرمندانی که مدت زمان زیادی از آخرین حضورشان روی صحنه‌های رسمی می‌گذشت و از جمله نماینده‌های نوپسان و کارگردانان شناخته‌شده تئاتر هستند، اتفاقی نیست که بتوان نادیده‌اش گرفت. هر چند ساخت آثار هنری، با مجوز یا بدون مجوز، دوگانه‌ای است که در طول چهل سال و اندی گذشته همواره وجود داشته است. دوگانه‌ای که از جمله محصولات آن، سینما و تئاتر و موسیقی زیرزمینی است و با وقوع هر اعتراض سیاسی و اجتماعی و عمیق‌تر شدن شکاف میان هنرمندان و ساختار سیاسی، پررنگ‌تر از پیش می‌شود. محصولات این جریان حاصل کار هنرمندانی است که خود را ملزم به نشان دادن اثرشان به دیگری برای کسب مجوز نمی‌دانند و متروعبار اندازه‌گیری‌شان و انکس مخاطب است. تصمیم این فعالان فضاهای غیررسمی بر عدم کسب مجوز، به‌تنه شیوه ساخت و زیبایی‌شناسی به کار گرفته شده در آثارشان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. در پی معاصرترین جریان اعتراضی پس از پاییز ۱۴۰۱، چنان انشعاقی پدید آمد که تا مدت‌ها از آن با عنوان قهر هنرمندان از عرصه فعالیت رسمی یاد می‌شد. قهری پیوندخورده با غیابی که غایبان آن از جمله در حوزه تئاتر، به‌ظاهر تحت تأثیر التهابات موجود، مصمم بودند که زین‌پس به سازوکار کنونی دریافت مجوز تن ندهند.

با گذشت سالی پس از سال دیگر و فاصله گرفتن از آن روزهای ملتهب، جریان رسمی هنر و از جمله گروه‌های نمایشی که برای روی صحنه رفتن از مسیر شورای نظارت و ارزشیابی اداره کل هنرهای نمایشی عبور می‌کنند، به‌ظاهر با تمام قدرت به عرصه بازگشتند. ادامه حضور غیرقابل انکار جریان غیررسمی اما نشان داد بالیدن هر روزه آن، نه صرفاً گره‌خورده به روزه‌های پراشتاب پشت سر گذاشته شده بوده و نه در گرو میزان فعالیت تئاتر رسمی است. در نتیجه بسیاری از کسانی که چنین تصمیمی گرفتند همچنان پای تصمیم خود ایستاده‌اند و معتقدند، اگر بتوان راه‌حلی برای پایان دادن به این وضعیت متصور شد، آن راه حل چیزی جز تغییر سازوکار دریافت مجوز نیست. از جمله هنرمندان بازگشته به صحنه‌های رسمی می‌توان به نادر برهانی‌مرد اشاره کرد که سال گذشته برداشتی آزاد از «مرغابی وحشی» اثر هنریک ایبسن را با عنوان «هدویگ» روی صحنه تماشاخانه ایرانشهر برد. همچنین جلال تهرانی که دوبخش از یک سه‌گانه را با نام‌های «بونکر» و «بونکر دوم؛ شکارچی و قطار» در مجموعه تئاتر لایخند و مجموعه تئاتر شهر اجرا کرد یا اکبر زنجانیور که در مقام کارگردان و بازیگر با «اکتینگ» به ایرانشهر رفت. نیز حمیدرضا نعیمی که با نویسندگی، کارگردانی و بازی در «اینک انسان» در مجموعه تئاتر شهر به دوری خود از صحنه پایان داد یا قطب‌الدین صادقی که به اجرای «سفرنامه ابجدی مظفر» در سالن اصلی همان مجموعه پرداخت. در کنار این‌ها، صابر ابر که نمایش «امشب به صرف بورش و خون» نوشته مهدی یزدانی خرم را براساس رمان «نازنین» فتودر داستایوفسکی در بلک‌باکس پردیس تئاتر و موسیقی باغ کتاب روی صحنه برد و این روزها مشغول اجرای بخش دوم آن با عنوان «به صرف بورش بدون خون به میزبانی نازنین» براساس برداشت آزاد یزدانی خرم از یکی از کاراکترهای «یادداشت‌های زیرزمینی» نوشته داستایوفسکی است. در نهایت اشکان خیل‌نژاد که با روی صحنه بردن اجرایی ۷ ساعته براساس «برادران کارامازوف» در تماشاخانه ایرانشهر، تماشاگر این روزها تئاتر را به چالشی جدی کشید.

این لیست این روزها با نام‌هایی چون حسین پاکدل، مصطفی کوشکی، رضا بهبودی و... در حال تکمیل شدن است. هر چند چنانچه مهران رنجبر، نماینده‌های نوپس، کارگردان و بازیگر هنگام تقدیر در بیستمین شب کارگردان مختص نکوداشت گلاب آدینه که شامگاه جمعه، ۱۲ اردیبهشت‌ماه به کوشش انجمن کارگردانان تئاتر در تالار استاد جلیل شهناز خانه هنرمندان ایران برپا شد، اشاره کرد که جای خالی کارگردانی چون حمید پورآذری، علی اصغر دشتی و... چنان به‌شدت احساس می‌شود که به هیچ عنوان نمی‌توان مدعی

شد همه چیز به روال پیشین بازگشته است و غیبت از صحنه‌های رسمی تازمان تغییر سازوکار دریافت مجوز تنها تصمیم عده‌ای معدود است.

## ▼ از امر ملوکانه تا نکر اسوف

اضافه‌شدن نام حسین پاکدل، مصطفی کوشکی و... به لیست هنرمندان بازگشته به عرصه رسمی به‌واسطه نمایش‌هایی است که در تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه خواهند برد. پاکدل قرار است «امر ملوکانه» را به نویسندگی، کارگردانی و تهیه‌کنندگی خود و با بازی بازیگرانی چون عاطفه رضوی، مرتضی آقا‌حسینی، صالح میرزاآقایی و... از ۲۴ اردیبهشت‌ماه در سالن استاد سمندریان روی صحنه ببرد. مصطفی کوشکی هم از ۲۳ اردیبهشت‌ماه نمایشنامه «نکر اسوف» نوشته ژان پل سارتر را در امانت‌روزی، طراحی و کارگردانی خود با حضور بازیگرانی چون داریوش موفقی و مهدی کوشکی در تالار استاد ناظرزاده کرمانی اجرا خواهد کرد. همچنین نمایش «جغد» به نویسندگی و کارگردانی سعید حسلولو با بازی بازیگرانی چون بهزاد خلج، سارا رسول‌زاده، عباس جمالی و امیر حسین فتحی از ۲۴ اردیبهشت‌ماه در سالن استاد سمندریان روی صحنه می‌رود.

در کنار بازگشت این کارگردانان به صحنه، بازیگرانی چون رضا بهبودی و آزاده صمدی نیز بار دیگر در عرصه تئاتر رسمی دیده خواهند شد. رضا بهبودی با نمایش «قرمز» به نویسندگی جان لوگان و کارگردانی مهرداد قیومی، به‌عنوان تازه‌ترین اثر گروه نمایشی «لیو» به سرپرستی محمدحسن معجونی که از ابتدای خردادماه در مجموعه تئاتر لایخند اجرا خواهد شد، به صحنه بازمی‌گردد. «قرمز» درباره مارک روتکو، نقاش اکسپرسیونیست انتزاعی و رابطه او با دستیار جوانش کن است که نقش‌های‌شان توسط رضا بهبودی و دانیال نوروش ایفا خواهد شد. همچنین آزاده صمدی با نمایش «عزادار» نوشته امیر نجفی و عرفان غفوری به کارگردانی امیر نجفی در تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه می‌رود.

## ▼ دولتی‌های کپرونق

در غیاب آمار فروش و تعداد مخاطب نمایش‌های بدون مجوز یا آثار متعلق به جریان غیررسمی تئاتر نگاهی به نمایش‌های روی صحنه در مجموعه‌های دولتی تئاتر در تهران؛ تئاتر شهر، تالار هنر و تماشاخانه سنگلج حکایت از حضور ۱۸ هزار تماشاگر و ۳ میلیارد تومان فروش تا پایان ۱۲ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ دارد. براساس آمار منتشرشده از سوی روابط عمومی اداره کل هنرهای نمایشی که در اختیار رسانه‌ها قرار گرفته است نمایش «ذرات آشوب» به نویسندگی و کارگردانی ایراهیم پشت‌کوهی با مجموع ۲۷ اجرا و میزبانی از ۵ هزار و ۳۲۲ مخاطب با احتساب بلیت تمام‌بها، نیم‌بها، تخفیف‌دار و مهمان توانسته است به فروشی معادل یک میلیارد و ۵۹۳ میلیون و ۵۲۰ هزار تومان دست پیدا کند. فروش «قربانگاه» در تالار چهارمسو ۲۱۰ میلیون و ۳۶۰ هزار تومان، فروش «کالیگولا» در تالار قشقایی ۷۸۶ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان، فروش «خونه مادر بزرگ» در تالار سایه ۸۸ میلیون و ۱۲۰ هزار تومان، فروش «خرگوش» در همین تالار ۱۶۹ میلیون و ۹۴۰ هزار تومان و فروش «کارنامه پندار بیدخش» در کارگاه نمایش ۴۲ میلیون و ۸۸۰ هزار تومان بوده است. همچنین «جگر هندی» در تماشاخانه سنگلج ۱۹۵ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان و فروش «پینوکیو» در تالار هنر ۳۸۲ میلیون و ۸۹ هزار تومان و ۴۰۰ بوده است. با این حساب مجموع فروش نمایش‌های روی صحنه در مجموعه تئاتر شهر، تالار هنر و تماشاخانه سنگلج از شروع اجراهای‌شان تا روز جمعه ۱۲ اردیبهشت‌ماه به رقم ۳ میلیارد و ۴۶۸ میلیون و ۲۲۹ هزار و ۴۰۰ تومان از طریق جذب ۱۸ هزار و ۲۴۵ مخاطب رسیده است.

این اعداد و ارقام تا زمانی که ندانیم چه تعداد نمایش بدون مجوز روی صحنه رفته و میزبان چه تعداد مخاطب بوده و به چه میزان فروشی دست پیدا کرده است، نمی‌تواند حکایت از استقبال تماشاگران از جریان رسمی تئاتر داشته باشد. حتی اگر لیست کارگردانانی که آرام‌آرام در حال بازگشت به صحنه‌اند در کنار ایستادن غایبان صحنه بر تصمیم‌شان عدم بازگشت به صحنه‌های رسمی تأثیر چیده شدن آن چه سانسور نامیده می‌شود، روز بروز طولانی‌تر شود.

## چهره

## خواب ابدی باران عشق

اگر قرار باشد نام چند تنظیم‌کننده برتر موسیقی پاپ ایران فهرست شود، ناصر چشم‌آذر دست‌کم در رده‌های دوم و سوم این فهرست قرار خواهد گرفت. تنظیم‌کننده و آهنگسازی که به‌دلیل علاقه موسیقی خانوادگی، از ۹ سالگی شروع به نواختن آکاردئون کرد. او در ۱۷ سالگی توانست رهبری ارکستر کوچکی را برعهده بگیرد و پس از آن برای بیشتر خوانندگان پاپ پیش از انقلاب، آهنگ ساخت و تنظیم کرد. در دهه ۶۰ مدت کوتاهی را در آمریکا گذراند، اما پس از آن به ایران بازگشت و با جدیت کار ساخت موسیقی فیلم را در پیش گرفت. «هامون»، «اجاره‌نشین‌ها» و «ای ایران» از برترین آهنگسازی‌های سینمایی چشم‌آذر است. او یادگار بزرگی در موسیقی پاپ به‌جا گذاشت؛ آلبومی به‌نام «باران عشق» که با ۸ قطعه موسیقی بی‌کلام، راوی اشک مادران شهیدا بود. چشم‌آذر بر اثر سکته قلبی ۱۴ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۷ در تهران درگذشت.



## کتابخانه

## مطالعه اشتراوس در باب جباریت

«در باب جباریت» نوشته لئو اشتراوس، با ترجمه یاشار جیرانی و شروین مقیمی در ۳۷۶ صفحه با قیمت ۳۹۰ هزار تومان توسط نشر ققنوس منتشر شده است. اشتراوس در این اثر مطالعه خود در باب جباریت را از طریق شرحی بسیار دقیق بر دیالوگ پیشامدرن و فراموش‌شده کسوفون تحت عنوان هیرون (گفت‌وگویی میان یک حکیم و یک جبار) ارائه می‌کند. اشتراوس در این کتاب نشان می‌دهد که چگونه نقد یا فهم جباریت مدرن فقط از طریق فهم بنیادهای فلسفه سیاسی مدرن ممکن است و این که چنین امکانی فقط از رهگذر نظرگاه غیرمدرنی گشوده می‌شود که در عین حال فلسفی هم باشد؛ از طریق احیای فلسفه سیاسی کلاسیک، زمانی که مستقیماً در باب پدیدار جباریت می‌اندیشد. در این مجلد، همچنین مکتبه مشهور اشتراوس با الکساندر کوژو نیز گنجانده شده است؛ مکتبه‌ای که به‌واسطه دفاع رادیکال و تمام‌قد کوژو نه‌فقط از فلسفه سیاسی مدرن بلکه از جباریت مدرن، به فهم بهتر موضع اشتراوس یاری می‌رساند.

## در باب جباریت

نویسنده: لئو اشتراوس

مترجمان: یاشار جیرانی

و شروین مقیمی

انتشارات: ققنوس



## تاریخ

## تاسیسی بانک سپه



ظهور بانکداری جدید در ایران به زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه برمی‌گردد. نخستین بانکی که در ایران اقدام به تأسیس شعبه کرد، بانک شرق جدید به‌عنوان شعبه‌ای از بانک کمپانی هند

شرقی بود که در سال ۱۲۶۷ در ایران فعالیت خود را آغاز کرد. در همین دوران اندیشه تأسیس یک بانک جدید با سرمایه و مدیریت ایرانی به وجود آمده بود و حاج محمد حسین که از صرافان بزرگ بود، پیشنهاد تأسیس بانکی با سرمایه مشترک دولت ایران و مردم را به ناصرالدین‌شاه ارائه داد. این طرح اما مورد موافقت قرار نگرفت تا اینکه در نهایت بانک سپه به‌عنوان نخستین بانک ایرانی در ۱۴ اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۰۴ با سرمایه سه میلیون و ۸۸۳ هزار و ۹۵۰ ریال در یک محل محدود و چند باب مغازه تأسیس شد. در ۲۴ اسفندماه همان سال، اولین شعبه بانک سپه در شهر رشت افتتاح شد. بانک در آغاز، امور مالی نظامیان ارتش شاهنشاهی ایران را انجام می‌داد اما پس از مدتی این بانک فعالیت خود را فراتر برده و تبدیل به یک بانک کشوری شد و آغاز به ساخت شعبه‌هایی در دیگر نقاط کشور کرد.